آخرین وضعیت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

مطابق آخرین آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران نرخ بیکاری افراد ۱۵ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۷,۶درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، در فصل پاییز بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه سال قبل (پاییز ۱۴۰۱)، ۰,۶درصد کاهش یافته است.

در پاییز ۱۴۰۲، به میزان ۴۱,۵درصد جمعیت ۱۵ساله و بیشتر، از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه سال قبل (پاییز ۱۴۰۱) ۰,۵ درصد افزایش یافته است.

بررسی آمار بازار کار و بیکاری فارغ‌التحصیلان بیانگر این است که بررسی نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ساله و بیشتر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، نشان می‌دهد ۱۱,۴ درصد از جمعیت فعال فارغ‌التحصیل آموزش عالی بیکار بوده‌اند. این نرخ در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری بیشتر بوده است. بررسی روند تغییرات این نرخ حاکی از کاهش ۱,۱درصدی در پاییز ۱۴۰۲ نسبت به فصل مشابه سال قبل است.

در پاییز ۱۴۰۲ سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران ۴۲,۸درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۰,۴درصد افزایش داشته است.

در پاییز۱۴۰۲ سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان ۲۷,۵درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱,۱درصد افزایش یافته است.

به نقل از تسنیم؛ مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی در چند هفته اخیر درباره بیکاری فارغ‌التحصیلان گفت: در حوزه بیکاری فارغ‌التحصیلان باید کمی دقیق‌تر به مسئله بپردازیم. سهم فارغ‌التحصیلان از مجموع جمعیت بیکار کشور حدود ۴۲درصد است. یعنی از ۲میلیون و ۱۰۰هزار نفر جمعیت بیکار کشور ۹۰۵ نفر به فارغ‌التحصیلان اختصاص دارد و این‌طور نیست که بیشترین نرخ بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان باشد.

مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: در مورد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان از ۱۳,۲درصد به ۱۲درصد نسبت به تابستان سال گذشته رسیده است. اگر زنان و مردان فارغ‌التحصیل را به تفکیک مورد بررسی قرار دهیم نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان مرد ۸,۱درصد بوده یعنی نزدیک به نرخ بیکاری عمومی است اما نرخ بیکاری بانوان فارغ‌التحصیل بالای ۲۰درصد است؛ بنابراین موشکافی این آمارها این رهنمود را نشان می‌دهد که فضای بیکاری فارغ‌التحصیلان کشور آن‌طور که انعکاس پیدا می‌کند با عمق آمارهای این حوزه همخوان نباشد.

نامبرده تصریح کرد: در حال حاضر در عموم تولیدات کشور کمبود نیرو داریم و استان‌هایی هستند که مرتبا درخواست نیروی کار می‌دهند.علی‌رغم آنکه کشورمان امکانات و فرصت‌های شغلی بسیار دارد ولی تا مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان را حل نکنیم مثل این است که کل مسئله اشتغال حل‌نشده باقی مانده است و بر این اساس است که می‌گوییم اشتغال فارغ‌التحصیلان به ویترین اشتغال تبدیل شده است.

وی افزود: بخشی از این موضوع با پیوست مهارتی به دانشگاه حل می‌شود و لازم است که دانشگاه به سمت تولید حرکت کند زیرا تولید خیلی گسترده است.

بخشی از این موضوع هم با حرکت فضای کارفرمایی و صاحبان صنعت و در مورد اینکه آنها چه برنامه‌ای دارند برطرف می‌شود. ما یک‌سری برنامه‌ها برای جذب فارغ‌التحصیلان داریم که قبلاً سیاست‌های فعال بازار کار در برنامه ششم توسعه بود و در حال حاضر هم تحت عنوان سیاست‌های حمایت از اشتغال فارغ‌التحصیلان مطرح است.

به گفته مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت کار، طرح‌هایی مثل کارورزی فارغ‌التحصیلان و بحث یارانه دستمزد که در ۱۵ استان محروم اجرا شده از جمله این طرح‌هاست. در طرح کارورزی فرد یک دوره سه‌ماهه با حقوق را می‌بینند و کارفرمایی که او را جذب کند تا دو سال می‌تواند معافیت بیمه‌ای داشته باشد یا اینکه بیمه را پرداخت می‌کند و دولت برای او مبلغ بیمه را واریز می‌کند. در طرح یارانه دستمزد هم افرادی که فوق‌دیپلم به بالا هستند، اگر توسط کارفرما جذب شوند یک‌سوم دستمزد آنها را دولت پرداخت می‌کند. این طرح‌ها جزو طرح‌های حمایتی بوده که دولت برای حمایت از اشتغال فارغ‌التحصیلان دنبال کرده است.

نامبرده خاطرنشان کرد: ما یک حرکت دوسویه از سمت کارجویان به سمت فضای تولید داریم حالا یک بخش هم بحث ارتباط مهارت با صنعت مطرح می‌شود لذا پیشنهاد من این است که باید بحث ارتباط دانشگاه با تولید را بررسی کنیم. اتفاقا بخش خدمات در جذب نیرو موفق‌تر از بخش صنعت عمل کرده است و یکی از دلایل موفقیت بخش خدمات این است که به کار نزدیک‌تر است. در حال حاضر سرانه اشتغال در حوزه خدمات پایین بوده و به تعبیری بخش خدمات، کار دوست‌تر است. در بخش خدمات خویش‌فرمایی معنادارتر است البته نه به این معنا که در حوزه صنعت امکان خویش‌فرمایی نیست.

وی ادامه داد: اگر رویکرد ما جهش فناوری باشد باید فناوری‌های خرد را در نظر بگیریم. فناوری‌های خرد هم می‌توانند حوزه صنعت را با خویش‌فرمایی و مدل‌های خرد پیش ببرند. البته درحال حاضر نیز بیش از ۸۰ درصد بنگاه‌هایی که در سیستم تامین اجتماعی به عنوان بنگاه‌های بیمه‌پرداز ثبت شده‌اند بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر هستند. بر این اساس بدنه تولید کشورمان خرد است و مسئله‌ای که وجود دارد این است که آیا دانشگاه موفق شده با این سبک از تولید ارتباط برقرار کند؟ به دلیل اینکه مدل آموزش مهارت‌مان متناسب با بوم صنعت نیست، بسیاری از فارغ‌التحصیلان ممکن است دچار مشکل شوند. از طرفی هم صنعت، کشاورزی و خدمات باید به سمت فارغ‌التحصیلان حرکت کنند و با دانش‌بنیان شدن است که می‌توان نیروهای سطح بالاتری را استخدام کرد؛ بنابراین یک ارتباط دوسویه لازم است.

کارورزی‌های کاغذی آفت مهارت‌افزایی فارغ‌التحصیلان

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که این روزها بسیاری از دانشجویان با آن مواجه هستند نداشتن تجارب عملی یا کم‌بار بودن روزمه کاری‌شان است که اثرات زیان‌باری برای آینده شغلی‌شان به دنبال خواهد داشت.

کارورزی یک نوع نظام آموزشی است که حضور دانشجویان در محیط‌های موفق صنعتی، تجاری و خدماتی را فراهم می‌کند تا از این طریق بتوانند با در نظر گرفتن مهارت‌های مورد نیازشان، آموزش ببینند و تجربه کسب کنند.

مهم‌ترین موضوع بحث در کارورزی این است که رابطه دانشگاه با صنعت و بازار کار قطع است یا اگر هم قطع نباشد، اثربخش نیست، این موضوع باعث می‌شود که بازار کار احساس نیاز به نیرویی کند که دارای مهارت است و پیمانکاران دیگر تمایلی به آموزش و صرف هزینه برای مهارت‌آموزی افراد تازه کار را ندارند و احساس می‌کنند از طریق چنین آموزشی سطح توقعات این افراد بالا می‌رود و بعد از مهارت‌آموزی از مجموعه خارج می‌شوند.

سابق بر این دوره‌های مختلف مهارت‌آموزی با اسامی مختلفی همچون کارورزی، مهارت‌افزایی، طرح کاد شناخته می‌شد و این موضوع در دولت‌ها و سنوات گذشته از طریق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان فنی‌وحرفه‌ای نیز دنبال می‌شده و می‌شود که متأسفانه با سنگ‌اندازی‌هایی که صورت می‌گیرد این موضوع به طور جدی به نتیجه نمی‌رسد.

بعضاً به واسطه نظام مدرک‌گرایی در جامعه، توقع بسیاری از تحصیلکرده‌ها بالا می‌رود و اساساً فقط یک‌سری دروس را به صورت تئوری آموخته‌اند که با شرایط اجرائی و عملی متفاوت است و باید تئوری‌های که یاد گرفته‌اند را به واسطه روش‌های صحیح و درست اجرا کنند که همین مسئله باعث می‌شود آزمون و خطا زیاد شود؛ بنابراین این فارغ‌التحصیلان به دلیل عدم مهارت‌های لازم نمی‌توانند به خوبی از خواسته صنعت و بازار کار برآیند که حلقه واصله چنین کاری گذراندن دوران کارورزی است.

اگر کسی در بحث کارورزی بخواهد دست‌فرمانی بعضاً مثل دوره‌های تئوری در پیش بگیرد و با بهانه‌تراشی از دوره‌های مهارت‌آموزی یا کارورزی فرار کند، اولین کسی که ضرر می‌کند خود فرد است و دومین مجموعه‌ای که آسیب می‌بیند مجموعه‌ای است که آن فرد وارد مجموعه شده و برایش هزینه‌تراشی و فرصت‌سوزی دارد، به این دلیل بهره‌وری پایینی خواهند داشت.

اساساً مجموعه‌های بخش خصوصی که به دنبال افراد بهره‌ور می‌گردند از این تیپ افراد، فراری هستند و دنبال آدم‌های باسابقه و باتجربه می‌گردند، این رفتار به شدت مسموم، زننده و غیرمتعهدانه است که بخواهیم با پرداخت هزینه‌ای هرچند اندک طرح کارورزی که فرد باید برای آموختنش در میدان باشد را از مسیر اصلی‌اش خارج کنیم.

به عنوان مثال اگر فردی در رشته‌های مکانیک یا مهندسی درس خوانده باید شیوه‌های اجرائی و عملیاتی رشته تحصیلی‌اش را بیاموزد تا بتواند از آن بهره‌برداری مناسبی داشته باشد. متأسفانه این اتفاق در کلاس‌های تئوری اتفاق نمی‌افتد و نمی‌توانیم از این طریق مهارت افزایی‌های لازم را کسب کنیم و به دانش و خرد برسیم.

اساساً دوره کارورزی برای افزایش مهارت و خدمت به صنعت، اشتغال و افزایش بهره‌وری نیروی انسانی است و تمام تلاش وزارت علوم این است که استانداردهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها رعایت شود تا تمام دانشجویانی که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند، شایستگی‌های لازم در زمینه‌های علمی، فناوری و نوآوری داشته باشند. این در حالی است که وزیر علوم، تحقیقات و فناوری معتقد است این موضوع نیاز به یک عزم فرابخشی دارد، برای اینکه آموزش و پژوهش ما هدفمند شود، باید تمام نهادها و دستگاه‌های اجرائی کمک کنند تا فرزندان مردم بتوانند برای کارورزی در بخش‌های صنایع دولتی و خصوصی مرتبط با خودشان فعالیت کنند.

وی با تأکید بر مهارت‌محور شدن دانشگاه‌ها، می‌گوید: مهارت‌محور شدن دانشگاه‌ها و آموزش نیازمحور براساس آمایش یکی از برنامه‌های مهم وزارت علوم است که اتفاقا در قالب برنامه توسعه هفتم کشور در مجلس نیز در حال تصویب و بررسی است. در یکی از بندهای برنامه هفتم توسعه پیشنهاد شده است که با گذشت ۶ ماه از تصویب این برنامه، دانشگاه‌ها اعم از دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم یا دانشگاه‌های علوم پزشکی مسیر خود را در راستای آموزش نیازمحور و مهارت‌محور مدیریت کنند.

اما با وجود تناقض‌هایی که در رابطه با دوره کارورزی یا مهارت‌آموزی وجود دارد، یکی از فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی می‌گوید: گاهاً بعضی از دانشجویان با دوره کارورزی مخالف هستند و زمانی که قرار است برای گذراندن این دوره صرف کنند را بیهوده می‌دانند.

وی می‌گوید: حضور در بعضی از مؤسسات با روحیه همه سازگار نیست. من به عنوان یک دانشجو بعینه با این موضوع مواجه بودم بعضی از دانشجویان تمایلی به حضور و گذراندن دوره‌های کارورزی ندارند و با زدوبندی که با اساتید و مسئولین بعضی از گروه‌های علمی، صنعتی یا تجاری دارند تلاش می‌کنند تأییدیه و امضاهای پوچ و توخالی پای برگه‌هایشان زده شود تا با خیالی آسوده پرونده دوره کارورزی‌شان بسته شود. نمی‌توان از مسئولین درباره چنین موضوعاتی خرده گرفت، این خود ما هستیم که به خودمان و آینده‌مان ظلم می‌کنیم و به نوعی با خریداری مدرک نمی‌توانیم آینده روشنی داشته باشیم.

قطعاً اگر کارورزی به عنوان دوره‌ای باشد که فقط نمره‌ای داد شود و رفع تکلیف شود؛ خیلی نتیجه‌بخش نخواهد بود، کارورزی و کارآموزی باید به نوعی جهت‌دهی شود که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بتوانند متناسب با رشته و گرایش تحصیلی‌شان وارد بازار کار شود.

این در حالی است که رئیس دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب معتقد است دانشگاه‌ها باید نسبت به دوره‌های کارورزی رویکرد مهارتی داشته باشند؛ یعنی دوره‌های کارورزی و کارآموزی در دانشگاها طبق روال سنتی گذشته باشد و حضور دانشجویان در دوره‌های کارورزی و مهارتی منجر به از بین رفتن نقایص می‌شود و دانشجویان می‌توانند از این طریق به انجام فعالیت‌های حرفه‌ای در جامعه مسلط شوند.

وی می‌گوید: در دانشگاه آزاد طرح پویش در حال برگزاری است که امکان اشتغال همزمان با تحصیل را فراهم کرده است، در این طرح ارتباط خوبی بین صنعت و دانشگاه برقرار شده و دانشجویان در حین تحصیل به صنعت معرفی و جذب بازار کار می‌شوند که کاری بسیار مفید است؛ همچنین از این طریق نقایصی که در زمینه کارورزی و کارآموزی‌ها وجود دارد از بین می‌رود و دانشجویان به کارهای حرفه‌ای که در جامعه وجود دارد مسلط می‌شوند.

ناگفته نماند گذراندن دوره‌های کارورزی و کارآموزی به عنوان یک تحول در آموزش عالی است و در دستور کار بیشتر دانشگاه‌ها قرار گرفته است.

معاون آموزشی دانشگاه تهران هم می‌گوید با هماهنگی‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برنامه تحولی در آموزش پیش‌بینی شده که بیشتر از قبل به دروس مهارتی توجه می‌شود و دوره کارورزی جزء برنامه‌های تحول در دانشگاه تهران است؛ بنابراین هرچقدر دانشجویان بتوانند در حین تحصیل از طریق دروسی مانند کارآموزی، کاربینی و کارورزی که دانشجو را با محیط کار مرتبط می‌کند، با محیط کار بیشتر آشنا شوند زمینه اشتغال و آمادگی برای ورودشان به بازار کار در آینده بیشتر می‌شود.

به نقل از فارس؛ دانشجویان با شرکت در دوره‌های کارورزی یا کاربینی با محیط کار و اصول و قوانین فضای کار آشنا می‌شود و امکان تبادل تجربیات با سایر کارورزان را پیدا کنند که از این طریق به خودباوری می‌رسند و با به‌کارگیری خلاقیت در حل مسائلی که در حین آموزش به‌وجود می‌آید می‌توانند به زمینه فرصت‌های شغلی در آینده‌شان را رقم بزنند.

بلای جامعه‌سوز «مدرک‌گرایی»!

باورکردنی نیست اما ایران پنج برابر کشورهای پیشرفته دنیا دانشگاه دارد. در ایران ۲۶۴۰ دانشگاه وجود دارد، درحالی‌که چین و هند با جمعیتی چندین برابر ایران، به ترتیب ۲۴۸۱ و ۱۶۲۰ دانشگاه دارند و این یعنی تعداد دانشگاه‌هایشان از ما کمتر است.

بنابر گزارش مؤسسه اسپانیاییCISC، تعداد دانشگاه‌ها در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان زیر ۵۰۰ دانشگاه است؛ برای مثال آلمان ۴۱۲، انگلیس ۲۹۱ و کانادا ۳۲۹ دانشگاه دارد. گزارش‌ها همچنین می‌گویند این تعداد دانشگاه در ایران، حدود پنج هزار میلیارد تومان از بودجه کل کشور را می‌بلعد و نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت بیکار کشور را تولید می‌کند.

نکته قابل تامل دیگر این که ۸۰ درصد وزیران کابینه انگلیس مدرک کارشناسی دارند، در حالی که در ایران موج دکترا گرفتن و پشت میز نشستن به راه افتاده است. تبدیل شدن مدرک به کالای مصرفی مدرک‌گرایی یعنی تقاضای زیاد برای کسب مدارک عالی دانشگاهی بدون توجه به هدف اصلی آن یعنی کسب دانش و مهارت، چندین سال است به عنوان پدیده‌ای در ایران ظهور کرده و جماعت زیادی را تحت تاثیر قرار داده است.

این پدیده تا حدودی نشان‌دهنده نوعی مناسک‌گرایی است زیرا وسیله را قبول دارد (مدرک) ولی هدف کسب این وسیله را که در ابتدای پاراگراف به آن اشاره شد، نمی‌پذیرد. همچنین گویای نوعی جابه جایی اهداف سازمانی است یعنی دانشگاه بدون اعلام و به صورت ضمنی و غیرعلنی، از محل کسب دانش به محل صدور مدرک نزول کرده یا در این سراشیبی افتاده است.

از جنبه مصرف‌گرایی نیز می‌توان این طور توضیح داد که مصرف مدرک، همپای انواع دیگر مصرف رشد کرده است و مدرک هم به صورت کالایی که با قانون عرضه و تقاضا میزان مصرف آن تعیین می‌شود، ظهور کرده است. به دنبال کسب هویت با مدرک گرفتن در میدان جنگ سرمایه‌ها، هنگامی که شخص از برخی انواع سرمایه به خصوص اقتصادی برخوردار نیست، تلاش می‌کند با بالا بردن سرمایه فرهنگی خود که به دنبالش احترام و منزلت نیز کسب می‌شود، آن کمبود را جبران کند. طبقه برخوردار از سرمایه اقتصادی هم با استفاده از همین نوع سرمایه در میدان زندگی اجتماعی، آن را تبدیل به سرمایه فرهنگی (تحصیلات بالاتر) می‌کند تا اجازه ندهد اقشار دیگر نسبت به او تمایز یا برتری ویژه‌ای کسب کنند.

وقتی این اندیشه اشاعه می‌یابد که در زندگی شهری، منزلت اکتسابی یا دستاوردهای فرد، معیار ارزیابی و قضاوت درباره اوست و مدرک دانشگاهی هم اثبات نوعی دستاورد والا محسوب می‌شود، عده زیادی به سمت آن هجوم می‌برند؛ به خصوص هنگامی که عرضه فضاهایی که این امکان را فراهم می‌کنند یعنی تعداد دانشگاه‌ها بالا رود. این مسئله وقتی حادتر می‌شود که بدانیم در واقع، این نوعی تناقض ساختاری است زیرا تمامی مدارک، دستاورد نیستند و برخی از آنها حاصل نفوذ، رانت و امثال آن هستند یعنی ساز و کار کسب مدرک مهم نیست بلکه تنها یدک کشیدن عنوان «دکتر» مهم است.

مدرک‌گرایی نوعی از خودبیگانگی به وجود می‌آورد که برآیند نیروهای وارده به شخص در میدان‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. بیگانگی از این منظر که به مدرک به سانِ یک بُت نگریسته می‌شود، کسب آن مانند زدن واکسن فلج اطفال ضروری جلوه می‌کند، موجودیتی مستقل از خود شخص دارد و شعار «من مدرک دارم، پس هستم»، جانشین «من می‌اندیشم، پس هستم» می‌شود. از این منظر شخص متقاضی مدرک به انسانی تک ساحتی تبدیل می‌شود که هویت خود را بدون مدرک از دست می‌دهد.

هنگامی که فرصت تحرک اجتماعی صعودی کم باشد، جوانان به سمت راه‌های جانشین می‌روند. برای مثال وقتی فرصت دست‌یابی به درآمد بالاتر با توجه به تلاش و کوشش وجود نداشته باشد یا زمانی که شخص خود را با کسانی که این فرصت از طرق دیگر برایشان مهیا شده است مقایسه می‌کند، نوعی ساز و کار جبرانی را برای تحرک اجتماعی از طریق کسب مدرک به کار می‌گیرد. مدرک‌گرایی نتیجه عرضه بیش از حد فضای دانشگاهی ارائه دهنده، فشار تقاضا برای مدرک از طریق تبلیغات پیدا و پنهان اغواکننده، شبکه توزیع ناکارآمد امکانات موجود یا نابرابری‌های ناعادلانه، مصرف‌گرایی و کالایی شدن مدرک و بازاری شدن دانشگاه است. مدرک‌گرایی همچنین نتیجه نظام بوروکراسی ناکارآمدی است که به جای شایسته‌سالاری، کسب مدرک را شرط ارتقا یا استخدام می‌داند.

از سویی دیگر، کاهش فشار آکادمیک در فضای دانشگاهی یعنی راحت‌تر شدن ورود به دانشگاه و خروج از آن و دسترسی سریع‌تر به انواع کلاس‌های مجازی و ابزارهای میان بر رایانه‌ای (مانند کپی‌کاری) در تسریع این روند دخیل است؛ مجموعه این عوامل فضا را به سمت نوعی عقلانیت صوری پیش می برد که بر کمیت به جای کیفیت تأکید می کند. این خود انعکاسی از روحیه غالب و سبک زندگی رایج در میان شهروندان یک سرزمین و نتیجه تعامل سطوح خرد و کلان برای تحمیل اراده و خواسته‌شان به یکدیگر است به این معنا که میزان و نوع مدارک مانند رسیدن به نوعی نقطه تعادل است که عرضه آن توسط سطح کلان و تقاضای آن توسط سطح خرد تعیین می شود.

مدرک‌گرایی دارای کارکردهای سیاسی نیز هست؛ از این نظر که مانند قرص مسکنی برای بیکاری تجویز شد اما در نهایت به صورت دیالکتیکی دامان خود برنامه ریزان را گرفته و به بیکاری مضاعف دامن زده است. همچنین برای قشری از میانسالان و کسانی که افسوس روزهای از دست رفته گذشته را می خورند به عنوان نوعی تفریح به کار می‌رود.

به طور کلی باید جانشین‌های مدرک دانشگاهی تعریف، تقویت و تبلیغ شوند و به طور منصفانه در دسترس عموم قرار گیرند و عرضه انواع مدرک که حتی گاهی کاملا از ابتدا تا انتها خریده می شود، کاهش یابد و رشته‌ها و دانشگاه‌ها با توجه به نیازسنجی مناطق و آمایش سرزمینی مکان یابی شوند و رشد پیدا کنند. شعار «دانشگاه برای مدرک» باید جای خود را به «دانشگاه برای کسب مهارت و دانش» بدهد که این امر از طریق آموزش از دبستان آغاز می‌شود.

به نقل از تارنمای الف؛ همچنین استعدادیابی باید در عمل اجرا شود و باورها به مجراهای جایگزین مانند هنر، فنی و حرفه ای و حتی کاسب بودن در بازار، به مرور تغییر یابد. در همین زمینه، مهم‌ترین سؤالی که باید در ابتدای امر، شخص به آن جواب دهد این است که اگر ادامه تحصیل ندهم چه کارهای دیگری می توانم بکنم؟ محاسبه هزینه/فایده این مبادله یعنی رها کردن تحصیل و پرداختن به فعالیت جانشین آن، باید به ما بگوید که این کار عقلانی است. به عبارتی دیگر، باید فعالیت‌های جانشین دانشگاه رفتن برای کسب مدرک وجود داشته باشد که همان مزایا یا مزایای همپای آن را داشته باشد و هزینه تحصیل نکردن با منافع فعالیت جایگزین جبران شود.

قاب دانشگاه

تشییع پیکر دانشجو معلم دانشگاه فرهنگیان «شهیده فائزه رحیمی» که در حمله تروریستی گلزار شهدای کرمان به فیض شهادت نائل آمد